

تقدیر بر تقد کتاب انسان‌شناسی ششم عمومی

دکتر محمد شریف کمالی

کتاب انسان‌شناسی عمومی از ۲ تن از اساتید حوزه در شماره ۶ کتاب ماه ویژه انسان‌شناسی ۲ توسط امیرهاشمی مقدم نقد شده بود که یکی از نویسندگان نقدی را به نقد ایشان زده‌اند که از این پس ارائه می‌شود.

باعث خوشحالی است که آقای امیرهاشمی مقدم نقدی راجع به کتاب «انسان‌شناسی عمومی» نوشته‌اند. به نظر این حقیر نقد از هر نوعش می‌تواند به روشنگری و از بین بردن ابهامات کمک کند. اولین مطلبی که باید بدان اشاره کنم این است که آقای‌هاشمی مقدم نویسنده دیگر این کتاب که این حقیر باشد را در بیشتر موارد از قلم‌انداخته و فقط به انتقاد از آقای دکتر عسگری خانقاه پرداخته‌اند. به هر صورت، کتاب توسط دو نفر نوشته شده و اگر انتقاد یا اعتباری هست، بر هر دو نفر، وارد است.

از طرفی، باید اول به علم انسان‌شناسی اشاره کنم که در ایران با وجود آن که هفتاد سال از عمر آن می‌گذرد، یتیم است. منظور اینکه این علم چنانکه در ایران اشاعه داده شده است، جزء علوم اجتماعی نیست؛ بلکه یکی از وسیع‌ترین علوم است که همه موارد در ارتباط با انسان را مورد بررسی قرار می‌دهد و تمام مسایل انسان را در رابطه با فرهنگ از یک طرف و مسایل زیستی انسان را از طرف دیگر، مطالعه

امیدوارم که آقای‌هاشمی‌مقدم نیز که این نقد را نوشته‌اند، دارای تخصص انسان‌شناسی به مفهوم نوع انسان، باشند.

آقای‌هاشمی‌مقدم نوشته‌اند تا فصل پنجم که مباحث مربوط به حوزه تخصصی مؤلفان است... در واقع می‌توان گفت بخش‌هایی از کتاب انسان‌شناسی زیستی همین نویسندگان است که در این جا رنگ و لعابی دیگر گرفته است. اگر ایشان به دقت این فصول را خوانده بودند و با انسان‌شناسی زیستی مقایسه می‌کردند، متوجه می‌شدند که گرچه در عنوان و تیترها شبیه‌اند ولی با هم تفاوت دارند؛ به خصوص فصل اختلافات انسانی و نژاد!

سپس، ایشان اشاره کرده‌اند به کتاب انسان‌شناسی فرهنگی دکترهاویلند. اگر ما کتابی به عنوان مرجع اصلی در این کار استفاده کرده‌ایم، کتاب انسان‌شناسی (Anthropology) دکترهاویلند است، نه کتاب انسان‌شناسی فرهنگی (Culthral Anthropology) ایشان!

بعد از آن، ایشان به سرفصل‌های کتاب در بخش فرهنگی اشاره کرده‌اند و با مقایسه آن‌ها با کتاب دکترهاویلند (انسان‌شناسی فرهنگی)، به این نتیجه رسیده‌اند که این بخش‌ها ترجمه آزاد یا ترجمه‌ایست از این کتاب. سرفصل‌های کتاب انسان‌شناسی یا انسان‌شناسی عمومی، در همه جا کم و بیش مثل هم است. اگر ایشان به کتاب مبانی انسان‌شناسی دکتر روح‌الامینی مراجعه فرمایند، همان سرفصل‌ها را کم و بیش خواهند دید. بنابراین، در جدولی که ایشان آورده‌اند، چیز خاصی نشان داده نمی‌شود.

نمونه‌ای از کتاب و انگلیسی آن نیز که از کتاب انسان‌شناسی فرهنگی‌هاویلند آورده‌اند، یعنی: «منع زنا با محارم: در تمام جوامع، در تمام زمان‌ها، قوانینی برای منع زنا با محارم یعنی ممنوعیت رابطه جنسی با برخی از خویشاوندان نزدیک داشته‌اند...». این جمله با این مفهوم در تمام کتاب‌های انسان‌شناسی وجود دارد و با احتمال زیاد در کتاب‌های انگلیسی و زبان‌های دیگر. بنابراین، نمی‌توان با این مقایسه به این نتیجه رسید که کل کتاب یا کل مطلب ترجمه‌ای از آن است. گذشته از آن، چنان‌که گفته شد، منبع اصلی ما کتاب انسان‌شناسی فرهنگی دکترهاویلند نبوده است. عکس‌ها هم از هر جا گرفته شده، منبع آن ذکر شده است.

با تشکر مجدد از آقای‌هاشمی‌مقدم، امیدوارم که این جواب تا حد زیادی باعث روشن شدن موارد مطرح شده و ابهامات بوده باشد.

می‌کند. میدان مطالعه انسان‌شناسی و روش‌های آن نیز بسیار با علوم اجتماعی متفاوت است. بنابراین، عالم علوم اجتماعی که انسان‌شناس هم نباشد، در اعلام نظر درباره انسان‌شناسی به بیراهه می‌رود. برای همین هم هست که ما احتیاج به کتاب‌های بنیادی و پایه‌ای در تمام زمینه‌های انسان‌شناسی داریم. البته در سالیان اخیر چندین کتاب در زمینه‌های مختلف انسان‌شناسی به چاپ رسیده که باعث خوشحالی است.

به هر صورت آقای‌هاشمی‌مقدم در آغاز نوشته‌اند که «علی‌ایحال؛ با مردم‌شناسی ایران، انسی ندارد». مگر قرار بود که این کتاب درباره مردم‌شناسی ایران باشد؟ نه، این کتاب انسان‌شناسی عمومی است، یعنی با تمام مباحث انسان‌شناسی سروکار دارد و البته در این کتاب مثال‌هایی راجع به ایران هم زده شده است. به نظر می‌رسد که ایشان کلمه مردم‌شناسی را به جای انسان‌شناسی به کار برده‌اند که خود باعث شبهه می‌شود زیرا که کلمه مردم هر چند به معنای انسان هم هست، ولی در فارسی کنونی بیشتر به معنای جمع و گروه انسان به کار می‌رود تا نوع انسان و معمولاً آن را در مقابل کلمه Ethnology به کار می‌برند که شاخه‌ای از انسان‌شناسی فرهنگی است. من نمی‌دانم ایشان جمله «ایران؛ بهشت مردم‌شناسان است» را از کجا گرفته‌اند؟ درست است که ایران دارای گروه‌های قومی و جمعیت‌های مختلفی است ولی این صفت خاص ایران نیست و مطالعاتی که در ایران انجام شده است، نسبت به جمعیت‌های افریقایی، هندوستانی، استرالیایی، امریکای جنوبی و غیره، بسیار کم است. گذشته از آن، جمله بالا تاحدودی دارای بعد نژادپرستی نیز هست؛ چرا که یک کشور را بر دیگر کشورها ارجحیت می‌دهد. ایشان به مردم‌نگاری‌های انجام شده در ایران نیز اشاره کرده و ما را به خاطر یاد نکردن از آن‌ها نکوهش کرده‌اند! مردم‌نگاری‌هایی که در ایران انجام شده‌اند جز تعدادی محدود، فاقد ارزش علمی‌اند، زیرا که مردم‌نگاری مختص جمعیت‌های کوچک مثلاً اقوام و روستاها هستند و جوامع پیچیده (شهری) به علل مختلف مردم‌نگاری نمی‌شوند زیرا که در شهرها جمعیت‌های مختلفی زندگی می‌کنند که نمی‌توان آن‌ها را با روشی که در ایران به کار می‌رود یعنی مدتی کوتاه، مردم‌نگاری کرد! بعد از آن، اشاره کرده‌اند که این کتاب برای دو واحد درسی زیاد است در حالی که این کتاب منبع آن درس است و منبع بودن به معنای تدریس تمام این کتاب با جزئیات آن نیست.

در این جا لازم است بار دیگر اشاره کنم که انسان‌شناسی عمومی که گاهی با نام انسان‌شناسی در دانشگاه‌های مختلف تدریس می‌شود، چنان‌که از نامش مشخص است، کلیاتی راجع به علم انسان‌شناسی است و درس اجباری برای تمام کسانی است که انسان‌شناسی، چه فرهنگی و چه زیستی، می‌خوانند. بنابراین، کتاب انسان‌شناسی باید اطلاعاتی از تمام زمینه‌های انسان‌شناسی داشته باشد. از طرف دیگر،